

مقاله پژوهشی: نقش تسلیم در تأمین امنیت روانی فردی و اجتماعی از منظر قرآن کریم

رضا فقیه‌زاده^۱ ولی‌الله نقی‌پورفر^۲ علینقی لنگی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳

چکیده

تسلیم به معنی انقیاد محض در پیشگاه الهی از آموزه‌های صریح قرآن کریم است. در چارچوب مراتب الزامات دینی شامل اسلام، ایمان و یقین؛ تسلیم مرتبه ایمان و یقین، آثار مهمی دارد که از جمله آن، ایجاد امنیت روانی فردی و اجتماعی است. در قرآن کریم، تسلیم رابطه تنگاتنگی با واژه‌هایی مانند ایمان، استقامت در راه بندگی، توکل، تقوا و ذکر خدا دارد که به نحوی از لوازم آن به شمار آمده و به‌عنوان نگه‌دارنده از ترس و غم - که در نقطه مقابل امنیت روانی هستند - باعث آرامش، نام برده شده‌اند. تحقیق حاضر از نوع کاربردی و به روش تفسیری قرآن به قرآن بوده که با مراجعه به تفاسیر معتبر شیعه و سنی، به تحلیل محتوای کیفی آیات مربوط به تسلیم و لوازم آن پرداخته و نظر قرآن کریم، در راستای نقش تسلیم در تأمین امنیت روانی، احصاء شده است و به‌منظور تأیید روایی و پایایی داده‌ها، نتایج حاصل از برداشت‌های محقق از قرآن کریم، از طریق پرسشنامه محقق ساخته، به رأی و نظر خبرگان، در حوزه‌های دینی و امنیتی رسیده و تأیید گردیده است. نتایج حاصل از بررسی و تحلیل داده‌ها نشانگر آن است که رسیدن به مقام تسلیم سبب خواهد شد، در حوزه فردی اضطراب‌های مختلف با درک درست فلسفه خلقت و تسلیم در برابر اراده تکوینی و تشریحی خداوند، جای خود را به امنیت روانی بدهد. در سطح جامعه نیز امنیت جانی، مالی و آبرویی حاکم شود که به‌نوبه خود از عوامل اصلی، تأمین امنیت روانی اجتماعی هستند.

کلید واژه‌ها: نقش، تسلیم، امنیت روانی، فردی، اجتماعی، قرآن کریم

۱. دکترای تفسیر تطبیقی، مدرس و مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه هوایی شهید ستاری (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

reza_faghih@ymail.com

۲. استادیار و رئیس پژوهشکده مدیریت اسلامی دانشگاه قم و استاد مدعو دانشگاه عالی دفاع ملی.

۳. مدیر گروه الهیات دانشگاه افسری امام علی (ع) و دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی.

مقدمه

هر سه واژه «اسلام» (باب افعال)؛ «تسلیم» (باب تفعیل) و «استسلام» (باب استفعال) به معنای آن است که کسی و یا چیزی در برابر کس دیگر حالتی داشته باشد که هرگز او را نافرمانی نکند و او را از خود دور نسازد، همچنان که در قرآن کریم آمده: «بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ» (بقره/۱۱۲) اسلام انسان برای خدای تعالی یعنی اینکه انسان نسبت به هر سرنوشتی که از ناحیه خدای سبحان برایش تنظیم می‌شود، چه سرنوشت تکوینی، از قضا و قدر و چه تشریحی از اوامر و نواهی و غیر آن تسلیم باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۱/۱). اسلام در قرآن ذو مراتب است. یک مرتبه در حد شهادتین (حجرات/۱۴) ولی گاهی عالی‌ترین درجه آن منظور است، مانند درخواست مقام تسلیم حضرت ابراهیم^(ع) از خداوند متعال که در آخرین سال‌های عمرش اتفاق می‌افتد (بقره/۱۲۸). از مراتب بالای تسلیم آن است که انسان در مقابل کسانی هم که خداوند دستور به تبعیت از آنان داده مطیع محض باشد (نساء/۶۵). تسلیم آثار ارزشمندی مانند رسیدن به مقام اصطفاء و صالحان (بقره/۱۳۰ و ۱۳۱)؛ تثبیت در دیانت، اجر عظیم و هدایت به صراط مستقیم (نساء/۶۸-۶۵)؛ بهره‌مندی از هدایت، رحمت و بشارت الهی (آل‌عمران/۲۰)؛ قبولی در آزمون الهی (صافات/۱۱۱-۱۰۳؛ اسراء/۷۱)؛ قرار گرفتن در زمره انعام‌شدگان از انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین (نساء/۶۹)؛ محبوب خدا واقع شدن و آمرزش گناهان (آل‌عمران/۳۱) دارد که از جمله مهم‌ترین آثار دنیوی آن، مأمون بودن از خوف و اندوه (بقره/۱۱۲) - که در نقطه مقابل امنیت روانی‌اند - است.

از طرف دیگر قرآن امنیت را نعمتی از سوی خداوند (انفال/۲۶) و فرجامی حتمی برای مؤمنان صالح می‌داند: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لَيَكْبِدَنَّ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...» (نور/۵۵) و سلب امنیت را از نتایج کفران نعمت‌های خدا معرفی می‌کند (نحل/۱۱۲). مؤلفه‌های برپایی امنیت را تسلیم امر خدا بودن (بقره/۱۱۲ و ۲۰۸) (ر.ک: سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۲۰۶/۱-۲۱۱)؛ عقیده مشترک بر محور ایمان به خدا (انعام/۸۲) پاره‌ای احکام فقهی و اخلاقی دین برای ساماندهی روابط مسلمانان (حجرات/۱۲ - ۹) و... می‌داند. توجه قرآن به امنیت در این گستره وسیع از آیات و نیز درخواست امنیت از سوی حضرت

ابراهیم (بقره/۱۲۶؛ ابراهیم/۳۵) و تأکید بر حرمت جنگ در ماه‌های حرام و مکه و ارتباط بخش فراوانی از مباحث فقهی مانند حدود و دیات و جهاد و ... با مقوله امنیت، نشان از اهمیت امنیت در اسلام دارد.

امنیت به‌طور عام و امنیت روانی به‌طور خاص از طریق کاهش ترس، اضطراب و نگرانی، زمینه‌های شکوفایی فرد و جامعه را در عرصه‌های مختلف مهیا می‌کند، بشر به‌طور طبیعی در طول زندگی در این جهان با نگرانی‌ها و اضطراب‌های بسیاری رو در رو بوده و همواره برای فائق آمدن بر آن‌ها و از میان بردن عوامل پیدایش آن‌ها کوشیده است. در قرون گذشته برای تأمین امنیت روانی و درمان بیماران روانی که دچار اضطراب‌های شخصیتی هستند، کوشش‌های زیادی شده و در این زمینه روش‌های مختلفی برای روان‌درمانی به وجود آمده، اما آن‌گونه که نظرسنجی‌ها نشان داده و خود روانشناسان اعتراف کرده‌اند هیچ‌کدام موفقیت مورد انتظار در از بین بردن و یا پیشگیری از بیماری‌های روانی را کسب نکرده است (ر.ک: نجاتی، ۱۳۸۱: ۳۶۵-۳۶۱)؛ زیرا هرچند کلیه مکاتب روان‌درمانی در اینکه دلیل اصلی بروز عوارض بیماری‌های روانی، اضطراب است، متفق‌القولند ولی در تعیین عوامل اضطراب‌زا، اختلاف نظر دارند و هر چند این مکاتب متفقاً هدف اصلی روان‌درمانی را، رهایی از اضطراب و به وجود آوردن احساس امنیت در نفس انسان می‌دانند، اما برای تحقق این هدف از روش‌های مختلف درمانی پیروی می‌کنند که به اقرار خود در درمان کامل بیماری‌های روانی موفق نبوده‌اند (ر.ک: جیمز، ۱۳۵۶: ۱۷۸) اخیراً در میان روان‌شناسان، گرایش‌هایی پیدا شده که طرفدار توجه بیشتر به دین برای سلامت روان و درمان بیماری‌های روانی هستند. آن‌ها معتقدند، در ایمان به خدا نیروی خارق‌العاده‌ای وجود دارد که نوعی قدرت معنوی به انسان متدین می‌بخشد و در تحمل سختی‌های زندگی او را کمک می‌کند و از نگرانی و اضطرابی که بسیاری از مردم قرن ما در معرض ابتلای آن هستند دور می‌سازد. یکی از نخستین کسانی که این مسئله را مطرح کرد، ویلیام جیمز فیلسوف و روان‌شناس آمریکایی است، وی می‌گوید: «ایمان، بدون شک مؤثرترین درمان اضطراب است» و اضافه می‌کند: «ایمان نیرویی است که باید برای کمک به انسان در زندگی وجود داشته باشد، فقدان ایمان، زنگ خطری است که ناتوانی انسان را در برابر

سختی‌های زندگی اعلام می‌دارد» و در جایی دیگر می‌گوید: «میان ما و خداوند رابطه‌ای ناگسستگی وجود دارد، اگر ما خود را تحت اشراف خداوند متعال درآوریم و تسلیم او شویم، تمام آمال و آرزوهایمان محقق خواهد شد» (کارنگی، ۱۹۵۶: ۲۸۲ و ۲۹۲ و ۲۹۸ و ۳۰۱) روانکاو دیگری به نام بریل معتقد است: «انسان متدین واقعی هرگز دچار بیماری روانی نخواهد شد» (کارنگی، ۱۹۵۶: ۲۸۶) و اقرارهای متعدد دیگری از روانشناسان بزرگی همچون کارل یونگ و هنری لینک و... که به تأثیر شگرف ایمان در آرامش روانی، اعتمادبه‌نفس و قدرت روحی انسان تصریح کرده‌اند (ر.ک: نجاتی، ۱۳۸۱: ۳۶۷-۳۶۵). علاوه بر روانشناسان و روانکاوان، بسیاری از اندیشمندان معاصر غربی این مسئله را گوشزد می‌کنند که مشکل انسان معاصر، اساساً به نیاز وی به دین و ارزش‌های معنوی برمی‌گردد؛ برای مثال مورخ معروف، آرنولو توین بی می‌گوید، بحرانی که اروپاییان در قرن حاضر دچار آن شده‌اند، اساساً به فقر معنوی آن‌ها بازمی‌گردد. او معتقد است که تنها راه درمان این فروپاشیدگی اخلاقی که غرب از آن رنج می‌برد، بازگشت به دین است (جندی، ۱۹۷۷: ۱۹۵). در مقابل بررسی تاریخ ادیان به‌ویژه دین اسلام و مؤمنان به این ادیان نشان می‌دهد که ایمان به خدا، در تحقق احساس امنیت و آرامش و پیشگیری از اضطراب و بیماری‌های روانی ناشی از آن، کاملاً موفق بوده است. شایان ذکر است، درمان، معمولاً پس از ابتلای شخص به بیماری روانی شروع می‌شود، اما تسلیم اوامر خدا بودن اگر از کودکی در نفس انسان استقرار یابد نوعی مصونیت و پیشگیری از آسیب بیماری‌های روانی به شخص می‌بخشد (ر.ک: نجاتی، ۱۳۸۱: ۳۶۸-۳۶۷). از این رو در این مقاله، بحث نقش تسلیم در تأمین امنیت روانی فردی و اجتماعی به‌عنوان موضوع و مسئله تحقیق، با بهره‌گیری از روش تفسیری قرآن به قرآن و تحلیل محتوای کیفی و نظریه خبرگی مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد.

اهمیت و ضرورت تحقیق: امنیت روانی فردی و اجتماعی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های عصر حاضر است با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در حوزه‌های فناوری و ایجاد رفاه و آسایش قابل قبول برای آحاد جامعه، اضطراب و استرس جزو لاینفک زندگی بشر شده است؛ به‌نحوی که بیماری‌های روانی در جامعه مدرن امروزی بیش از هر زمان

دیگری قابل مشاهده بوده و روزانه آمارهای تکان‌دهنده‌ای از افسردگی‌ها، روان‌پریشی‌ها و حتی سکت‌ها و دیگر امراض گوناگون در رسانه‌ها مخابره می‌شود، در صورتی که ریشه‌یابی مشکلات روانی فردی و اجتماعی گویای این مطلب است که عامل اصلی تمامی این‌ها، دوری از خدا و فراموشی یاد خدا است. مطلبی که قرآن کریم به‌صراحت به آن اشاره کرده (طه/۱۲۴) و در مقابل راه درمان آن نیز یاد خدا (رعد/۲۸) و تسلیم بودن در مقابل فرامین او تذکر داده شده (بقره/۱۱۲)؛ بنابراین تبیین و تحلیل مسئله مقاله حاضر برای ترسیم این نقش اهمیت بسیار بالایی دارد.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

تسلیم

این واژه برگرفته از ریشه «سلم» به معنای مصون بودن از بیماری ظاهری و باطنی است. همین‌طور واژه‌های «سَلَام و سِلْم و سَلَم» در معنی صلح و آشتی است و واژه «إِسْلَام» دخول در صلح و خیراست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۴-۴۲۱). برخی تسلیم را مشتق از سلام، اسم خداوند متعال، به علت سلامت از عیب و نقص گرفته‌اند (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳۹۳/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۰/۱۲) همین‌طور گفته شده: اسلام همان استسلام به معنای انقیاد است و در شریعت به معنای اظهار خضوع و اظهار شریعت و التزام به آنچه که نبی (ص) آورده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۳/۱۲). اسلام تسلیم بودن در مقابل امر خدای متعال است و آن انقیاد بر طاعت خدا و قبول فرامینش است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۶۶/۷) و در یک جمع‌بندی کلی گفته شده بیشترین باب معنایی واژه «سلم» مربوط به صحت و سلامتی و عافیت است. اسلام هم که به معنای انقیاد و تسلیم است وجه ربطش به این مفهوم و معنا از این حیث است که دارنده آن از رویگردانی و امتناع در سلامت است (نک: مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۸۷/۵).

مفسران نیز در تفسیر آیه شریفه «بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ» واژه «أَسْلَمَ» را به معنای «أَخْلَص» یعنی کسی که خود را کاملاً برای خدا خالص گرداند و یا به معنای «استسلم» یعنی کسی که کاملاً تسلیم امر پروردگارش باشد گرفته‌اند (نک: طبری، ۱۴۱۴: ۳۹۳/۱).

طبرسی، ۱۳۷۲/۱/۳۵۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷/۱/۱۷۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰/۴/۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴/۲/۷۵ که در نهایت امر منافاتی با هم ندارند.

در اصطلاح علم اخلاق، تسلیم بدان معنا است که انسان در برابر فرامین خدای متعال و نیز کسانی که فرمان و خواست آنان به خداوند بازمی‌گردد، حتی در ناملایمات و بلاها استوار مانده و بدون اعتراض یا تغییری در ظاهر و باطن، با قلبی گشاده به استقبال قضای الهی برود (طوسی، ۱۱۶: ۱۳۷۳؛ جرجانی، ۱۴۰۵: ۸۰). برخی این تسلیم را مرتبه‌ای فوق ایمان (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۳) و برخی دیگر آن را از لوازم مرتبه سوم اسلام (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۲/۱) و از گران‌بهارترین آثار بندگی خدای متعال دانسته‌اند (همان، ۳۴۴/۱). مقام تسلیم آنگاه دست‌یافتنی است که انسان خود را، تمام و کمال و در همه ابعاد تحت ولایت خدای سبحان بداند، اعتقاد به ولایت خداوند می‌طلبد که شخص خود را هیچ‌کاره دانسته و هیچ‌گونه استقلالی برای خود نبیند و خود را زمامدار سود و زیان و مرگ و زندگی خویش نداند (همان، ۲۴۹/۱). در قرآن کریم آیه‌ای نیست که با واژه «تسلیم» بر خصوص تسلیم مورد بحث دلالت کند؛ اما آیاتی پرشمار با ماده «س-ل-م»، به صورت مطلق، تسلیم در برابر خداوند را با تمجید از آن، ترغیب و امر به آن، دستور به اظهار تسلیم یا درخواست دستیابی به مقام تسلیم از سوی پیامبران بیان می‌کند که مفسران از بسیاری از این مطلقات، تسلیم در برابر تکوین و تشریح را استفاده کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰۴/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۹۸/۱ ج ۴، ص ۴۹۴؛ حقی بروسوی، بی تا: ۲۳۳/۱): «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمِ» (بقره/۱۳۱)؛ «و نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (بقره/۱۳۶)؛ «ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» (بقره/۲۰۸)؛ «فَلَا أَسْلِمُوا» (حج/۳۴)؛ «وَأَمْرٌ أَنْ أَسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (غافر/۶۶)؛ «وَأَنَا أَوْلُ الْمُسْلِمِينَ» (انعام/۱۶۳)؛ «وَأَجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ» (بقره/۱۲۸) (نک: دائرةالمعارف قرآن کریم، ۱۳۸۸: ۵۲۸/۷).

مراتب الزامات دینی و تسلیم

نکته‌ای که توجه به آن لازم است اینکه در چارچوب مراتب الزامات دینی، تسلیم مرتبه ایمانی و یقینی لازم است تا اثر روانی آن در فرد و جامعه آشکار شود، نه اسلام ظاهری و اینکه عملاً تسلیمی در کار نباشد. توضیح اجمالی مطلب اینکه با توجه به آیات متعدد قرآن

کریم که در آن‌ها اسلام یا تسلیم و ایمان با تفاوت‌های مفهومی آمده باعث شده که اکثر لغت‌پژوهان و مفسران قرآنی به ذومراتب بودن این موارد اشاره و آن‌ها را در مراتب مختلف با اندک اختلافاتی دسته‌بندی نمایند. راغب اصفهانی یک مرتبه اسلام را پایین‌تر از ایمان و مرتبه دیگر آن را بالاتر از ایمان دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۴-۴۲۱؛ همین‌طور در این باره نک: مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۹۱/۵). علامه طباطبایی با تذکر این مطلب که مراتب تسلیم برحسب شدت و ضعف وارده بر انسان و آسانی و سختی پیشامدها، مختلف می‌شود، آنکه در برابر پیشامدهای ناگوارتر و تکالیف دشوارتر تسلیم می‌شود، اسلامش قوی‌تر است، از اسلام آن‌کس که در برابر ناگواری‌ها و تکالیف آسان‌تری تسلیم می‌شود. چهار مرتبه برای اسلام و ایمان بیان می‌کند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۱-۳۰۱-۳۰۳).

ولی تدبیر در آیات قرآن کریم با استضائه از روایات ائمه هدی (ع) که در برخی روایات، به مراتب سه‌گانه «اسلام، ایمان، یقین» و در برخی به مراتب چهارگانه «اسلام، ایمان، تقوا، یقین» اشاره شده (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۵۱/۲-۵۲)، بیانگر آن است که از قرآن کریم سه مرتبه کلی الزامات دینی قابل برداشت است: ۱. دیانت مسلمانان؛ که نظر به الزامات فقهی حقوقی دارد و شرعاً واجبات و محرمات و نیز صحت و بطلان امور را در برمی‌گیرد. ۲. دیانت مؤمنان؛ که به الزامات اخلاقی علاوه بر الزامات مسلمانان نظر دارد. در این سطح ضرورت دارد که حداقل ارزش‌های اخلاقی به الزامات فقهی حقوقی افزوده شود تا حداقل آثار معنوی دین اسلام در نفوس انسانی، خانواده، جامعه، حاکمیت و جامعه بشری متجلی شود. ۳. دیانت موقنان (دارندگان مقام یقین) و محسنان؛ که به الزامات عرفانی، علاوه بر الزامات مسلمانان و مؤمنان تأکید می‌کند که معصومان (ع) و به تبع، علمای ربانی را در برمی‌گیرد. الزامات مطلوب دینی، سطح دوم و سوم است ولی سطح اول گرچه لازم است، اما برای خیر دنیا و آخرت کفایت نمی‌کند (ر.ک: نقی‌پور فر، ۱۳۹۴: ۷۰-۴۹). شایان ذکر است هرکدام از این مراتب سه‌گانه، الزامات خود را داشته و تسلیم مختص خود را می‌طلبد، از آنجا که حداقل الزام مطلوب دینی سطح دوم است حداقل تسلیم نیز در این سطح لازم و ضروری است. تا آثار آن هویدا شود. وگرنه انتظار اثر در حد تأمین امنیت روانی از اولین مرتبه الزام دینی، انتظار درستی نیست و کسی که حداقل تسلیم در مرتبه ایمان را نداشته باشد مؤمن تلقی نشده: «ألا

يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَيْمَةَ كُلَّهُمْ وَإِمَامَ زَمَانِهِ وَيَرُدَّ إِلَيْهِ وَيُسَلِّمَ لَهُ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۰/۱) و آثار ایمان بر او مترتب نخواهد شد؛ بنابراین مراتب ایمانی و یقینی تسلیم لازم است تا در جرگه مؤمنان واقعی و موقنان جای گیرد و اگر حضرت امیر (ع) تسلیم را مرادف با یقین می‌گیرد (نهج‌البلاغه، حکمت ۶۵۲/۱۲۵) ناظر به مرتبه بالایی تسلیم، یعنی تسلیم مختص مرتبه یقین است. تسلیم در حد یقین را اگر کسی داشته باشد نه تنها دارای امنیت روانی، بلکه خود منبع آرامش و امنیت برای دیگران خواهد بود.

رابطه «ایمان»، «تفویض»، «توکل»، «اخبات»، «رضا» با تسلیم

این واژه‌ها با تسلیم رابطه نزدیکی داشته و از لوازم تسلیم بوده و ذومراتب‌اند؛ به‌عنوان نمونه در مورد ایمان و تسلیم، هر مرتبه‌ای از ایمان تسلیم خاص خود را دارد و از همدیگر قابل انفکاک نیستند (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۵۸/۱). ایمان به خدا صرف این نیست که انسان بداند خدا حق است، زیرا مجرد علم داشتن ملازم با ایمان نیست، بلکه با استکبار و انکار هم می‌سازد: «وَجَحَلُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ» (نمل/۱۴) و چون ایمان با انکار نمی‌سازد، نتیجه می‌گیریم ایمان صرف ادراک نیست، بلکه عبارت است از قبولی خاص از ناحیه نفس، نسبت به آنچه که درک کرده که باعث شود نفس در برابر آن ادراک و آثاری که اقتضاء دارد تسلیم شود و علامت داشتن چنین قبولی این است که سایر قوا و جوارح آدمی نیز آن را قبول نموده، مانند خود نفس در برابرش تسلیم شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۵۴/۱۱). روایات نیز این مطلب را تأیید می‌کند. از امام علی (ع) نقل شده است: «الْإِيمَانُ أَرْبَعَةٌ أَرْكَانُ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَالتَّوَكُّلِ عَلَى اللَّهِ وَتَفْوِضِ الْأَمْرِ إِلَى اللَّهِ وَالتَّسْلِيمِ لِأَمْرِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۶/۲). ذکر این مطلب از آن حیث است که در آیات متعدد قرآنی ایمان از عوامل اصلی دور نگه‌دارنده از خوف و اندوه و به تعبیری تأمین‌کننده امنیت روانی آحاد جامعه به شمار آمده است که عجین بودن آن با تسلیم بیانگر آن خاصیت برای تسلیم نیز هست.

همین‌طور تسلیم با واژه‌های دیگر مانند «تفویض»، «توکل»، «اخبات»، «رضا» ارتباط معنایی عمیقی دارد و قاعدتاً دارنده مراتبی از هرکدام این مقام‌ها، مراتبی از مقام تسلیم را نیز دارد. هر چند تمام معارفی که در آموزه‌های دینی مطرح شده و به آن‌ها بندگان دعوت

شده‌اند، تسلیم در برابر آن‌ها از شاخصه‌های دارندگان مقام تسلیم است؛ بنابراین اگر از آثار قطعی آن معارف، امنیت روانی فرد و جامعه نتیجه گرفته شود در واقع مطلب، برای دارنده مقام تسلیم نیز آن اثر ثابت است، مانند ایمان، توکل، تقوا و....

امنیت

امنیت برگرفته از واژه «أمن» است. «أمن» ضد ترس و به گفته برخی نقیض آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۱/۱۳). به گفته راغب اصل «أمن» طمأنینه نفس و از بین رفتن خوف است و امن، أمانة، امان، هر سه در اصل مصدر هستند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰).

در قرآن کریم افزون بر واژه امن و مشتقات آن (نور/۵۵؛ دخان/۵۱؛ بقره/۱۹۶؛ نحل/۱۱۲؛ ...) از کلیدواژه‌هایی مانند سلم (بقره/۲۰۸)، سلام (رعد/۲۴)، سکینه (توبه/۲۶)، صلح (نساء/۱۲۸) و واژگانی در طرف مقابل امنیت مانند خوف (بقره/۱۱۲)، رعب (حشر/۲)، حزن (بقره/۳۸) و نیز آیات جهاد (بقره/۱۹۳؛ نساء/۹۱)، قصاص (نحل/۱۲۶؛ بقره/۱۷۹) و حدود (نور/۴) موضوع امنیت برداشت می‌شود، افزون بر این، آیات دیگری نیز در ترسیم حوزه معنایی امنیت نقش دارد که عبارت است از آیاتی که با بیان پاره‌ای احکام فقهی و اخلاقی، امنیت عقیده (بقره/۲۵۶)، جان (مانده/۳۲؛ انعام/۱۵۱)، مال (مانده/۳۸) و آبروی (نساء/۵۸؛ حجرات/۱۲ - ۱۱) انسان‌ها را محترم شمرده و پیوند میان مؤمنان را بر پایه برادری (حجرات/۱۰)، صلح (حجرات/۱۰ - ۹)، احسان (نساء/۳۶) و قسط و عدل (حجرات/۹) دانسته است و بر آمادگی دفاعی مسلمانان (انفال/۶) و جهاد (برای نمونه نک: نساء/۸۴) تأکید کرده و بر حرمت جنگ در مکان‌های خاص (بقره/۱۲۵، آل‌عمران/۹۷) و زمان‌های ویژه‌ای (توبه/۳۶) دلالت دارد (رک: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۳ ش، ذیل واژه امنیت) و نیز تفسیر عباراتی چون حیات طیبه (نحل/۹۷)؛ بلده طیبه (سبأ/۱۵)؛ دارالقرار (غافر/۳۹) اعلام امنیت است (هاشمیان‌فرد، ۲۲: ۱۳۹۰).

امنیت از نظر قرآن مفهومی وسیع و فراگیر است و افزون بر موارد ایمنی از عذاب الهی در آخرت، در دو سطح روان‌شناختی و جامعه‌شناختی قابل بررسی است. در سطح نخست به آرامش روحی افراد و کسب مدارج معنوی آنان ارتباط می‌یابد که از حوزه اصطلاحی امنیت در علوم اجتماعی بیرون بوده و به موضوع آرامش و اضطراب در روانشناسی ارتباط

دارد. در سطح دیگر امنیت با گونه‌های فراوان خود ابعاد گوناگون زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در برمی‌گیرد و با اقتدار و انسجام و وحدت جامعه پیوند دارد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، هم نظریه تسلیم و هم امنیت از نگاه قرآن بحث بسیار گسترده‌ای است ولی آنچه که این مقاله متکفل تحقیق و بررسی آن است نقش تسلیم در تأمین امنیت روانی فردی و اجتماعی است.

پیشینه تحقیق

نظریه تسلیم و آثار آن اغلب در مباحث اعتقادی جزو مباحث فرعی تلقی گردیده و به آن پرداخته نمی‌شود و اگر هم این نظریه توسط اندیشمندان اسلامی مورد بررسی قرار گرفته - برای مثال در تفاسیر و ذیل آیات مربوطه - اغلب به زوایایی از آن به صورت پراکنده پرداخته شده است (نک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴/۶۳ و ۱۲۷/۱۰-۱۲۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۸/۱-۳۰۰) و تا آنجا که بررسی گردید، هیچ مقاله‌ای با عنوان نقش تسلیم در تأمین امنیت روانی مشاهده نشد و مقالات قریب به موضوع مقاله حاضر مانند روان‌درمانی در قلمرو دین از حسین سلیمان‌پور مقدم که نقش ایمان را در روان‌درمانی مورد بررسی قرار داده است (تربیت: ۱۳۷۶: شماره ۱۱۸ / ۳۱-۲۸)؛ قرآن و بهداشت روان از احمد صادقیان که راهکارهای شناختی و رفتاری را از منظر قرآن برای بهداشت روان ارائه نموده است (قرآن و علم: ۱۳۸۷: شماره ۶۹/۲-۹۰) و نقش ولایت‌پذیری اهل بیت (ع) در امنیت فردی و تحلیل روان‌شناختی از محمد زارعی توپخانه که به این نتیجه رسیده است آسیب‌ناپذیری از کارکردهای اساسی ولایت‌پذیری است که موجب شکل‌گیری امنیت فردی در ابعاد دنیوی (جسمانی، مالی، معنوی، روانی) و اخروی می‌گردد (معرفت، ۱۳۹۲: شماره ۱۹۱/۲۷ - ۴۴)؛ و... همان‌گونه که مشخص است هرکدام از این مقالات یا به صورت کلی و یا از زاویه‌ای خاص به مقوله تأمین امنیت روانی پرداخته‌اند. ولی اینکه در یک تحقیق روشمند موضوعی ماهیت نظریه تسلیم و نقش آن در تأمین امنیت روانی بررسی شود مشاهده نگردید. از این رو پژوهش حاضر واجد نوآوری علمی است.

روش‌شناسی تحقیق

به روش تفسیری و تحلیل محتوای کیفی آیات و روایات و نظریه خبرگی است. به این صورت که در رابطه با آثار روانی تسلیم و لوازم آن، آیاتی از قرآن کریم به صورت موضوعی انتخاب و به روش تفسیری قرآن به قرآن با مراجعه به تفاسیر معتبر فریقین به تحلیل محتوای آن‌ها پرداخته و نظر قرآن کریم در راستای نقش تسلیم در تأمین امنیت روانی، احصاء شده است؛ و به منظور تأیید روایی و پایایی داده‌ها نتایج حاصل از برداشت‌های محقق از قرآن کریم از طریق پرسشنامه محقق ساخته در قالب ۲۵ گویه به رأی و نظر خبرگان در حوزه‌های دینی و امنیتی به تعداد ۲۰ نفر رسیده و تأیید گردیده است.

اهداف تحقیق

هدف اصلی: تبیین نقش تسلیم در تأمین امنیت روانی فردی و اجتماعی.

اهداف فرعی:

۱. آشنایی با ماهیت و مراتب تسلیم از منظر قرآن کریم.
۲. تبیین رابطه مراتب الزامات دینی با تسلیم و الزامات آن.
۳. آشنایی با ماهیت، جایگاه و عوامل سازنده امنیت از منظر قرآن کریم.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی: در نگاه قرآن تسلیم چه نقشی در تأمین امنیت روانی فردی و اجتماعی

دارد؟

سؤالات فرعی:

۱. ماهیت و مراتب تسلیم چیست؟
۲. رابطه مراتب الزامات دینی با تسلیم چگونه است؟
۳. عوامل سازنده امنیت در قرآن کریم چه است؟

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته‌های تحقیق

نقش تسلیم و واژه‌های مرتبط با آن (ملزومات آن) در تأمین امنیت روانی فردی

همان‌گونه که اشاره شد، تسلیم حداقل مرتبه ایمانی در نگاه قرآن کریم آثار ارزشمندی دارد که از جمله آن تأمین امنیت روانی است. به تعبیری، زندگی انسان متن، حاشیه و اصل و فرعی دارد؛ اصل و متن خود اوست و حواشی و فروع، آنچه به او تعلق دارد مانند مال، مقام، همسر، فرزند و بستگان. حب و علائق ذات زندگی انسان را با دو آفت غم و اندوه و نگرانی و ترس به هم آمیخته است؛ غم و غصه برای آنچه که ندارد تا به آن برسد و ترس و نگرانی از اینکه مبادا حوادث روزگار آنچه را که دارد از او بگیرد. ایمان به خدا، هر دو آفت را ریشه‌کن می‌کند، چون ایمان به خداوند عالم، قادر، حکیم و رحیم، او را وادار به انجام وظایفی می‌کند که برای او مقرر شده و با انجام وظایف بندگی می‌داند که خداوند به عنایت حکمت و رحمت، او را به آنچه خیر و سعادت اوست می‌رساند و از آنچه مایه شر و شقاوت اوست باز می‌دارد، بلکه با یافتن حقیقتی که حقایق دیگر در برابر او مجاز است... دیگر گمشده‌ای ندارد و با ایمان به: «ما عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ ما عِنْدَ اللَّهِ باقٍ...» (نحل/۹۶) آنچه فانی و ناپایدار است برای او جاذبه‌ای ندارد که از داشتنش غمگین و از باختنش نگران باشد: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْقُوْرُ الْعَظِيمُ» (یونس/۶۴-۶۲) (ر.ک: وحید خراسانی، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۲). خاصیت ایمان و پایداری بر تقوا که قاعدتاً تسلیم خاص خود را می‌طلبد آن است که ترس و حزن را از صاحبش می‌زداید. بشارت بر چنین کسی چه در دنیا و چه در آخرت از سنت‌های قطعی خدا است و در نتیجه جایی برای اضطراب و استرس باقی نمی‌ماند، این مطلبی است که در آیات متعددی از قرآن کریم و در ارتباط با واژه‌هایی مانند تسلیم، ایمان، توکل، استقامت در راه بندگی، تقوا، ذکر خدا و... که همگی ارتباط تنگاتنگی با تسلیم دارند تذکر داده شده است؛ از جمله

تسلیم و امنیت روانی

قرآن کریم می‌فرماید: «بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۱۱۲)، در این آیه شریفه به صراحت نقش تسلیم در زدودن خوف و اندوه که در نقطه مقابل امنیت روانی‌اند، تذکر داده شده است. علامه طباطبایی درباره این آیه می‌گوید در این جمله برای نوبت سوم این جمله را بر اهل کتاب متوجه می‌کند که سعادت واقعی انسان دایره مدار نام‌گذاری نیست و احدی در درگاه خدا احترامی ندارد مگر در برابر ایمان واقعی و عبودیت، نوبت اولی که این معنا را تذکر می‌داد، در آیه: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا» (بقره/۶۲)، بود و نوبت دومش در آیه: «بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ» (بقره/۸۱) بود و سومش در همین آیه و از تطبیق این سه آیه با هم تفسیر ایمان و احسان، استفاده می‌شود و به دست می‌آید که مراد به ایمان تسلیم شدن در برابر خدا است و مراد به احسان عمل صالح است (طباطبایی، ۱۴۱۷/۱: ۲۵۸). در مورد «وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» گفته شده این جمله تصریح به لازم ذاتی تسلیم قلبی و انقیاد جوارحی دارد، یعنی مقتضای فرمان‌بری و تعلق به آفریدگار، استقرار خاطر و اطمینان قلب است، حرف لا نافی و شبیه به «لیس» و بیان امتناع ذاتی است. خوف اسم مصدر و عبارت از حالت بیم و هراس از تبعات اعمال و پیشامدهای ناگوار و حزن حالت انکسار و اندوه خاطر است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴/۱: ۲۹۷). شایان ذکر است همان‌گونه که در معناشناسی واژه امنیت توضیح داده شد و در قرآن کریم نیز در مواقعی (نساء/۸۳؛ نور/۵۵) به همین شکل آمده، «خوف» در نقطه مقابل «أمن» است؛ بنابراین یکی از نتایج تسلیم، به وجود آمدن امنیت روانی است.

ایمان و امنیت روانی

ایمان در جایگاه جامع‌ترین مفهوم دینی در اسلام، از ریشه «أمن» به معنای طمأنینه نفس و از بین رفتن خوف است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۱/۱۳). قرآن کریم، امنیت و آرامشی را که ایمان در نفس مؤمن ایجاد می‌کند، چنین توصیف می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ» (انعام/۸۲): «کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، برای آنان است ایمنی و ایشان راه‌یافتگان‌اند». این آیه

شریفه که در خلال بحث‌های توحیدی حضرت ابراهیم (ع) با مشرکان و از زبان مبارک آن حضرت صادر شده (ر.ک: طوسی، بی تا: ۱۹۱/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۵۰۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۹/۱۳) و با این همه ادات تأکید آمده (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰/۷) امنیت مطلق را برای دارندگان دو وصف تضمین کرده: اول ایمان که به تعبیری کمال قوه نظری است و دوم عدم پوشاندن ایمان با ظلم که کمال قوه عملی است (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۹/۱۳). با توجه به سیاق قبل این آیه، توحید و ایمان خالص، عامل احساس امنیت درونی است و مسلماً هر دو از لوازم تسلیم است.

آنچه اعصاب آدمی را در این زندگی فرسوده می‌کند اضطراب‌ها و هیجان‌هایی است که از شادمانی رسیدن به علایق مادی و افسردگی از نرسیدن به آن‌ها حاصل می‌شود و ایمان است که در این شرایط به مؤمن آرامش و اطمینان می‌دهد: «ما أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ * لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ...» (حدید/۲۳-۲۲) در تفسیر این آیه شریفه آمده، کلمه «مصیبت» به معنای واقعه و حادثه‌ای است که به انسان یا هر چیز اصابت کند و مراد از «برء» که مصدر فعل «نبرأها» است خلقت از عدم است و ضمیر در فعل مذکور به مصیبت برمی‌گردد و مراد از «کتاب» لوحی است که در آن همه آنچه بوده و هست و تا قیامت خواهد بود نوشته شده است. جمله «إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ» دلالت می‌کند بر اینکه تقدیر حوادث قبل از وقوع آن و راندن قضای حتمی آن برای خدای تعالی صعوبتی ندارد و جمله «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ...» تعلیلی است که به آیه قبل برمی‌گردد و معنایش این است که: اینکه ما به شما خبر می‌دهیم که حوادث را قبل از اینکه حادث شود نوشته‌ایم، برای این است که از این به بعد دیگر به خاطر نعمتی که از دستتان می‌رود اندوه مخورید و به خاطر نعمتی که خدا به شما می‌دهد خوشحالی نکنید، برای اینکه انسان اگر یقین کند که آنچه فوت شده باید می‌شد و ممکن نبود که فوت نشود و آنچه عایدش گشت باید می‌شد و ممکن نبود که نشود، ودیعه‌ای است که خدا به او سپرده، چنین کسی نه در هنگام فوت نعمت، خیلی غصه می‌خورد و نه در هنگام فرج و آمدن نعمت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۶۶-۱۶۷).

مطمئناً اگر کسی چنین جهان بینی داشته و در این راستا به مقام تسلیم دست یابد، نگرانی از چه چیزی می تواند او را مضطرب کند؟ کسی که می داند اگر هم مصیبتی به او می رسد با اذن خدا است و اگر ایمان به او داشته باشد، خدا هدایتش می کند و وظیفه او صرفاً تسلیم بودن در برابر اوامر خدا و رسول است: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ * وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...» (تغابن/۱۲-۱۱).

«اذن» در این آیه شریفه به تقدیر و مشیت خدا (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۸۴/۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۴۹/۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۶۱/۸) و به قضای الهی (محلّی و سیوطی، ۱۴۱۶: ۵۶۰) معنا شده است و هدایت قلبی هم معنی وسیعی دارد که «صبر» و «شکر» و «رضا» و «تسلیم» و گفتن «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» هر کدام یکی از شاخه های آن است و اینکه بعضی از مفسران (به نقل از طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۵۲/۱۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۳۹/۱۹) خصوص یکی از این موضوعات را نقل کرده اند در حقیقت تمام مفهوم آیه نیست، بلکه بیان مصداق روشن است. این هدایت الهی هنگامی که به سراغ انسان آید در نعمت ها شاکر و در مصیبت ها صابر و در برابر قضای الهی تسلیم می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹۹/۲۴)؛ بنابراین برای یک انسان مؤمن، تسلیم و متوکل که هر سه از لوازم هم اند، دیگر جایی برای اضطراب و تشویش نمی ماند.

استقامت در راه بندگی و امنیت روانی

به تعبیر قرآن کریم، بندگی و استقامت در این راه که تحمل ناملايمات وارده از لوازم آن است. از اوصاف بارز یک انسان تسلیم است که تشویق به عدم خوف و غم و بشارت به بهشت از طرف فرشتگان را در همین دنیا در پی داشته و به امنیت روانی فرد کمک شایانی می کند: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ * نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ...» (فصلت/۳۲-۳۰): «به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است! ما یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و آخرت هستیم».

باز به‌عنوان یک اصل کلی، نتیجه عبودیت و استقامت در راه خدا را امنیت از ترس و غم مطرح می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (احقاف/۱۳): «کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند».

ذکر خدا و امنیت روانی

نکته بعدی در این راستا اینکه روح انسان از جنس ماده نیست که با فراهم کردن وسایل آسایش مرکب آن (جسم) آرام بگیرد. روح ملهم به شناخت فجور و تقوا از طرف خدا: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس/۸-۷) نمی‌تواند با اسباب مادی آرام بگیرد. خالق روح برای آرامش آن، یاد و ذکر خودش را تذکر داده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸) واژه «تَطْمَئِنُّ» از ریشه «طَمَّنَ» (ابن منظور، ۲۰۴/۱۴۱۴:۸) به معنای آرامش و استقرار جان پس از نگرانی و ناراحتی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۴). به زمین پست و هموار و فرورفته‌ای که آب در آن بی‌حرکت می‌گردد، زمین مطمئن گفته می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۷۷/۲). برای اطمینان نیز درجات و مراتبی گفته‌اند: ۱- اطمینان قلب به یاد خدا که شامل آرامش امید به رحمت الهی برای انسان هراسان از خداوند، آرامش تسلیم در برابر قضا و قدر الهی و آرامش یاد پاداش خداوندی هنگام سختی و رنج زندگانی است. ۲- اطمینان جان، هنگام کشف حقیقت و یقین به حصول وعده‌ها و وصول از حال تفرقه به مقام جمع. ۳- اطمینان ناشی از شهود ذات جامع اسما و صفات الهی که سالک را به مقام فنا می‌رساند (أنصاری، ۱۴۱۷: ۱۰۰/۱-۹۹؛ ابن قیم، ۲: ۴۸۶/۱۴۱۶ - ۴۸۲).

در تفسیر آیه شریفه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» گفته شده، تنبیهی است برای مردم به اینکه متوجه پروردگار خود بشوند و با یاد او دل‌های خود را راحت سازند، چون آدمی در زندگی خود هدفی جز رستگاری به سعادت و نعمت نداشته و بیمی جز از برخورد ناگهانی شقاوت و نعمت ندارد و تنها سببی که سعادت و شقاوت و نعمت و نعمت و نعمت به دست اوست همان خدای سبحان است، چون بازگشت همه امور به اوست و اوست که فوق بندگان و قاهر بر آنان و فعال ما یثاء و ولی مؤمنین و پناهندگان به اوست، پس یاد او

برای نفسی که اسیر حوادث است و همواره در جستجوی رکن وثیقی است که سعادت او را ضمانت کند و نفسی که در امر خود متحیر است و نمی‌داند به کجا می‌رود و به کجایش می‌برند و برای چه آمده، مایه انبساط و آرامش است (طباطبایی، ۱۴۱۷/۱۱: ۳۵۵)؛ بنابراین قلوب صرفاً و منحصرأ (همان، ۱۱/۳۵۶) با یاد خدا آرام می‌گیرد و هر چیز دیگری را حتی اگر تمام دنیا را به کسی دهی، بدون یاد خدا آرام نشده و زندگی برای او سخت خواهد بود: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه/۱۲۴) و مسلماً ذکر و یاد خدا از شاخصه‌های اصلی یک انسان تسلیم است که همواره از بُعد فکری و عملی به یاد خدا بوده و لحظه‌ای از او غافل نمی‌شود و در نتیجه طبق آیه شریفه چنین کسی همواره با اطمینان قلب بوده و امنیت روانی خواهد داشت.

توکل و امنیت روانی

«توکل» برگرفته از ریشه «وکل»، گفته شده بر دو وجه است: ۱- تَوَكَّلْتُ لِفُلَانٍ؛ یعنی سرپرستی و وکالت او را پذیرفتم. ۲- توکلت علیه- بر او اعتماد کردم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۲). برخی هم «وکل» را به معنای «فوض» گرفته‌اند (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹/۵: ۴۰۵؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۶۷۰/۲). مرحوم طبرسی توکل بر خداوند را رضا به تدبیر او به همراه تفویض امور بر او و تمسک به طاعت او می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲/۵: ۲۸۷). در روایات نیز توکل به نرسیدن از غیر خدا (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۶/۶۸)، ناامیدی از خلق و توجه به خداوند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۸/۶۸؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۳: ۲۶۱) و کنار گذاشتن همه قدرت‌ها و در انتظار مقدر الهی بودن (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۰۵) معنا شده است. به نظر می‌رسد تفاوت معنایی توکل بر اثر تشکیک مفهومی آن باشد که برحسب اختلاف موقعیت افراد و نوع بینش آنان درباره خداوند، گونه توکل آنان نیز فرق می‌کند و سرّ آن، وابستگی این صفت به ایمان و اعتقاد انسان است و طبیعی است که ایمان انسان‌ها دارای مراتب است، پس هرچه ایمان و اعتقاد قوی‌تر و راسخ‌تر باشد، توکل نیز به همان میزان بالاتر و مستحکم‌تر است (همان، ۴۷۰)؛ بنابراین توکل نیز از نشانه‌های مؤمنان و تسلیم شوندگان است و قابل انفکاک از آن‌ها نیست. در قرآن کریم نیز وابستگی توکل، ایمان و تسلیم به صراحت مطرح گردیده است: «وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (مائده/۲۳): «و اگر مؤمنید، به خدا توکل کنید»؛ «وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِن كُنْتُمْ

أَمْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ» (یونس/۸۴): «و موسی گفت: ای قوم من، اگر به خدا ایمان آورده‌اید و اگر اهل تسلیم هستید بر او توکل کنید».

توکل آثار مهمی دارد که به تأمین امنیت روانی فردی و اجتماعی کمک شایانی می‌کند. آدم متوکل هیچ نیازی به دیگران نداشته و تنها خدا او را کفایت می‌کند: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق/۳)؛ نصرت و خذلان صرفاً در دست خدا است: «إِن يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِن يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل‌عمران/۱۶۰): «اگر خدا شما را یاری کند، هیچ‌کس بر شما غالب نخواهد شد و اگر دست از یاری شما بردارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد؟ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند». مسلماً ایمان و تسلیم در مقابل این معارف به تأمین آرامش روانی منجر می‌شود.

تقوا و امنیت روانی

یکی دیگر از مواردی که تسلیم خاص خود را می‌طلبد و نقش اساسی در تأمین امنیت روانی دارد تقوا بوده که در آیات متعددی به آن دعوت و آثار آن گوشزد شده است. تقوا اسم مصدر از ریشه «وقی»، در لغت به معنای پرهیز، حفاظت و مراقبت شدید است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۵/۳۷۸؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۲/۶۶۹) تقوا خصوصیات زیادی دارد که به حسب موارد، مختلف می‌گردند و قدر جامع آن‌ها پرهیز از محرمات شرعی و عقلی، توجه به حق و التفات به پاک‌سازی عمل است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۳/۱۸۴) و از آغاز پیدایش ایمان در دل مؤمن تا آخرین درجه کمال، همواره ملازم مؤمن است و در هر مرحله‌ای اقتضایی دارد؛ مانند محافظت نفس از عذاب و آتش، پرهیز از سخط خدا و مخالفت با وی و اجتناب از دوری و محجوبیت از خداوند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۳/۱۸۵-۱۸۶).

تقوا از منظر قرآن آثار ارزشمندی دارد که به دنیوی و اخروی و آثار دنیوی به فردی و اجتماعی تقسیم می‌شوند؛ برخی آثار فردی تقوا عبارت‌اند از: هدایت‌پذیری: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/۲)؛ قدرت تشخیص حق از باطل: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال/۲۹)؛ برون‌رفت از تنگناها: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (طلاق/۲) که گفته شده منظور راه بیرون رفتنی از هر ناراحتی در دنیا و آخرت و از

پیامبر (ص) نقل شده منظور از شبهات دنیا و از غمرات مرگ و سختی‌های روز قیامت (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۴۶۰)؛ «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا» (طلاق/۴)؛ «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» (لیل/۷-۵)؛ «رِزْقٌ لَا يَحْتَسِبُ: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ... * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق/۳-۲)؛ بشارت‌های الهی در دنیا و آخرت: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» (یونس/۶۴-۶۳). بعضی آثار اجتماعی تقوا که گاهی در کنار صبر بر آن تأکید شده عبارت‌اند از بهره‌مندی از برکات آسمان و زمین: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف/۹۶)؛ برخورداری از امداد الهی: «بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ * وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (آل‌عمران/۱۲۶-۱۲۵ و نیز بقره/۱۹۴؛ توبه/۱۲۳ - ۳۶؛ نحل/۱۲۸)؛ حفظ و حراست الهی و خنثی شدن توطئه‌های دشمنان: «إِنْ تَمَسَسْكُمُ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (آل‌عمران/۱۲۰) و آثار متعدد اخروی (ر.ک: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۹: ۸/۴۵۴).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، آثار تقوا به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم در تأمین امنیت روانی چه در حوزه فردی و چه در حوزه اجتماعی نقش بسیار مهمی دارند و از آنجا که تقوا، تسلیم خاص خود را داشته و از لوازم مراتب بالای تسلیم به شمار می‌رود این آثار برای دارنده مقام تسلیم نیز ثابت است.

عوامل نگرانی و تسلیم

سیری در بین آحاد جامعه بیانگر آن است که عوامل اضطراب و نگرانی؛ گاهی به خاطر آینده تاریک و مبهمی است که در برابر فکر انسان خودنمایی می‌کند، مانند احتمال زوال نعمت‌ها، گرفتاری در چنگال دشمن، ضعف و بیماری و ناتوانی و درماندگی و احتیاج؛ گاهی گذشته تاریک زندگی، مانند نگرانی از کوتاهی‌ها، لغزش‌ها و گناهان گذشته؛ گاهی ضعف و ناتوانی انسان در برابر عوامل طبیعی یا در مقابل انبوه دشمنان داخلی و خارجی؛

گاهی احساس پوچی زندگی و بی‌هدف بودن آن؛ گاهی ناسپاسی در مقابل زحماتی که کشیده و احياناً به نتیجه‌ای هم نرسیده؛ گاهی سوءظن‌ها و توهم‌ها و خیالات پوچ؛ گاهی دنیاپرستی و دلباختگی در برابر زرق‌وبرق زندگی مادی است که یکی از بزرگ‌ترین عوامل اضطراب و نگرانی انسان‌ها است و گاهی عامل مهم دیگر برای اضطراب و نگرانی خود مرگ و مواردی دیگر از این قبیل است (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰/۲۱۰-۲۱۴) که مسلماً ایمان به خدای قادرِ علیم حکیم رحیم و تسلیم در برابر فرامین و قضا و قدر او تمام این نگرانی‌ها را از بین می‌برد برای اینکه تک‌تک این نگرانی‌ها در منطق قرآن و جهان‌بینی توحیدی پاسخ‌های روشن و بسیار امیدبخشی دارند؛ به طوری که جای کوچک‌ترین نگرانی را برای یک شخص تسلیم باقی نمی‌گذارند.

انسان مؤمن به آیات الهی و تسلیم در برابر فرامین و قضا و قدر او به جای ظاهر قضایا، به باطن آن‌ها نگریسته و جهان و اتفاقات آن را صرفاً از دید ابتلا و آزمایش و برای تکامل انسان‌ها می‌نگرد: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (عنکبوت/۳-۲): «آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ و به یقین، کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغ‌گویان را [نیز] معلوم دارد» و با نگاه به آیات قرآن و سیره ائمه معصوم (ع) و تسلیم در برابر آن‌ها، اسباب نگرانی و اضطراب در پیش آن‌ها رنگ می‌بازد.

به‌عنوان نمونه یکی از عوامل مهم نگرانی و اضطراب در مورد رزق و روزی و کمی و فراوانی آن است، اما برای یک مؤمن تسلیم در برابر آیات الهی چه جای نگرانی در مورد رزق و روزی وجود دارد با وجود اینکه به صراحت در قرآن آمده: «وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ * فَو رَبُّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ» (ذاریات/۲۲-۲۳): «روزی شما و آنچه وعده داده شده‌اید در آسمان است. پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که واقعاً او حق است همان‌گونه که خود شما سخن می‌گویید».

- یا این آیه شریفه که با چند تأکید، خدای متعال را رزاق علی الاطلاق معرفی فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (ذاریات/۵۸): «خداست که خود روزی‌بخش نیرومند استوار است».

- یا این آیه شریفه که قبض و بسط رزق را صرفاً به خدا مرتبط دانسته و حیات دنیا را در آخرت متاعی بیش نمی‌داند: «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ وَ فَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ» (رعد/۲۶): «خدا روزی را برای هر که بخواهد گشاده یا تنگ می‌گرداند و [لی آنان] به زندگی دنیا شاد شده‌اند و زندگی دنیا در [برابر] آخرت جز بهره‌ای [ناچیز] نیست» (همین‌طور نک: اسراء/۳۰؛ قصص/۸۲؛ عنکبوت/۶۲؛ روم/۳۷؛ سبأ/۳۶ و ۳۹؛ زمر/۵۲؛ شوری/۱۲).

- و یا این آیه شریفه که روزی نه تنها انسان‌ها، بلکه تمام جنبندگان را بر عهده خدا می‌داند: «وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (هود/۶): «و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزی‌اش بر عهده خداست و [او] قرارگاه و محل مُردنش را می‌داند. همه [این‌ها] در کتابی روشن [ثبت] است» و یا این آیه شریفه: «وَ كَأَيُّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَ إِيَّاكُمْ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (عنکبوت/۶۰): «و چه بسیار جاندارانی که نمی‌توانند متحمل روزی خود شوند. خداست که آن‌ها و شما را روزی می‌دهد و اوست شنوای دانا» و آیات فراوانی که در قرآن کریم در رابطه با روزی خدا، نحوه تقسیم آن و قبض و بسط آن وجود دارد (نک: یونس/۳۱؛ بقره/۲۱۲؛ طلاق/۳؛ نحل / ۷۱؛ اسراء/۳۰؛ قصص/۸۲؛ طه/۱۳۱؛ عنکبوت/۱۷ و...).

- یا این حکمت از حضرت امیر^(ع)، آیا جایی برای نگرانی و اضطراب در مورد کسب روزی برای کسی که خود را پیرو او می‌داند و بایستی عقلاً و شرعاً تسلیم او باشد باقی می‌گذارد؟ «به یقین بدانید خداوند برای بنده خود هر چند با سیاست و سخت‌کوش و در طرح و نقشه نیرومند باشد، بیش از آنچه که در ذکر حکیم (ذکر حکیم را به قرآن، علم الهی، لوح محفوظ تفسیر کرده‌اند) وعده فرمود، قرار نخواهد داد و میان بنده، هر چند ناتوان و کم سیاست باشد و آنچه در ذکر حکیم برای او رقم زده حائلی نخواهد گذاشت، هرکس این حقیقت را بشناسد و به کار گیرد، از همه مردم آسوده‌تر است و سود بیشتری

خواهد برد و آنکه آن را واگذارد و در آن شک کند، از همه مردم گرفتارتر و زیانکارتر است، چه بسا نعمت داده‌شده‌ای که گرفتار عذاب شود و بسا گرفتاری که در گرفتاری ساخته شده و آزمایش گردد، پس ای کسی که از این گفتار بهره‌مند می‌شوی، بر شکرگزاری بیفزای و از شتاب بی‌جا دست بردار و به روزی رسیده قناعت کن» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰: حکمت ۶۹۷/۲۷۳). در جای دیگر می‌فرمایند: «ای فرزند آدم، اندوه روز نیامده را بر امروزت می‌فزا، زیرا اگر روز نرسیده، از عمر تو باشد خدا روزی تو را خواهد رساند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰: حکمت ۶۹۵/۲۶۷).

باز از آن حضرت نقل شده: «الشَّيْءُ شَيْئَانِ فَشَيْءٌ لِعَيْرِي لَمْ أُزْرَقْهُ فِيمَا مَضَىٰ وَ لَأْ أُمَّلُهُ فِيمَا بَقِيَ وَ شَيْءٌ لَّا أَنَالُهُ دُونَ وَ قَتْنِهِ وَ لَوْ أُجْلِبْتُ عَلَيْهِ بِقُوَّةِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَبِأَيِّ هَدْيَيْنِ أَفْنِي عُمْرِي» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۱۲): «یکی از دو چیز است: چیزی که برای غیر من است، در گذشته روزیم نشده و در آینده هم آرزویش را ندارم و چیزی که در غیر وقتش به آن نخواهم رسید و لو اینکه نیروی آسمان‌ها و زمین را جلب کنم پس برای کدام از این دو، عمرم را تلف کنم».

در جهان بینی توحیدی برگرفته از قرآن، تمام نگرانی‌ها به همین شکل قابل حل بوده و برای انسان تسلیم جایی برای نگرانی‌های این‌گونه‌ای باقی نمی‌ماند. آنان اگر غمی هم دارند درد آخرت است که به نوبه خود در دنیا موجب حس بی‌ارزش بودن اتفاقات دنیا و در آخرت باعث ترقی آنان به مدارج بالاتر بوده و از نتایج آن در دنیا تأمین امنیت روانی است.

نقش تسلیم در تأمین امنیت روانی اجتماعی

به تحقیق در جامعه‌ای که آحاد آن تسلیم امر خدا بوده و به لوازم آن پایبند باشند، امنیت روانی حاصل از آن به سطح عمومی جامعه نیز کشیده شده و جامعه امنی به وجود خواهد آمد؛ زیرا آنچه امنیت روانی یک جامعه را به هم می‌ریزد پیروی از هواهای نفسانی و زیاده‌خواهی عده‌ای است که باعث سلب آرامش از جامعه می‌شود؛ به تعبیری، انسان دارای شهوت و غضبی است که با غریزه افزون‌طلبی به هیچ حدی قانع نشده و هوای سرکشش با شهوت شکم، دامن، مال و مقام و استخدام قوه غضب برای اقناع هوس پایان‌ناپذیر خود هیچ مرزی نشناخته و از پایمال کردن هیچ حقی صرف‌نظر نمی‌کند. در

مقابل قدرتی که نفس سرکش را مهار و شهوت و غضب انسان را تعدیل و حقوق فرد و جامعه را تضمین و تأمین می‌کند ایمان به مبدأ و معاد و ثواب و عقاب است (ر.ک: وحید خراسانی، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۳). به‌طور کلی سیری در آیات قرآن کریم مبین آن است که مسائل مربوط به امنیت به‌طور عام در ساحت اجتماعی انسان، به شکل نمایانی تذکر داده شده که در صورت تسلیم در مقابل این معارف و حیانی امنیت روانی منحصر به فردی بر جامعه حاکم خواهد شد؛ به‌عنوان نمونه قرآن کریم، رابطه مؤمنان را بر پایه برادری: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/۱۰) و وحدت و ترک تفرقه: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل‌عمران/۱۰۳) ترسیم می‌کند و ضمن دعوت به اطاعت و تسلیم خدا و رسول (ص)، نزاع و درگیری را مایه ضعف و از بین رفتن عزت و کرامت مؤمنان می‌داند: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/۴۶) و چون مؤمنان با هم برادرند از آنان می‌خواهد اختلافات پیش آمده بین همدیگر را براساس قسط و عدل حل کرده: «... فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات/۹)، در جامعه مؤمنان اصلاح برقرار کنند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ...» (حجرات/۱۰) و زمینه را برای تعاون و همکاری: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده/۲) فراهم آورند.

داشتن روحیه تسلیم در برابر خواسته‌های خدا در تأمین امنیت روانی اجتماعی که آن را بیشتر مربوط به سه حوزه: جانی، مالی و آبرویی دانسته‌اند (ر.ک: علیزاده، ۱۳۸۹: ۹۹-۱۰۱) نقش به‌سزایی ایفا می‌کند:

امنیت جانی

یکی از مسائلی که امنیت روانی یک جامعه را به هم می‌ریزد نبود امنیت جانی است. از عوامل تهدیدکننده حوزه امنیت جانی می‌توان به ستیزه‌جویی، انتقام‌جویی، رقابت‌های شدید و ناسالم، کارشکنی و ماجراجویی و... اشاره کرد که در ریشه‌یابی این دست پدیده‌ها، ناهنجاری‌های اعتقادی و اخلاقی متعددی از قبیل خشم و غضب، شهوت قدرت، کینه‌توزی، تنفر، تعصبات جاهلی، سنگدلی، حسادت، سعایت، بدزبانی، بی‌حرمتی و... دخیل است. در مقابل موارد متعددی از قبیل دلسوزی، بخشش، خویش‌نوازی، صبر و

بردباری، دوری از تعصب و نفرت، رعایت حرمت افراد و رعایت ادب کلام و... که همگی از آثار تسلیم در برابر آیات الهی است، بزرگ‌ترین تضمین‌هایی هستند که امنیت جانی افراد جامعه را به بهترین شکل تأمین می‌کنند. در جامعه‌ای که تسلیم در برابر این آیه قرآنی سرلوحه آنان باشد: «... مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...» (مانده/۳۲): «هرکس کسی را - جز به قصاص قتل، یا [به کیفر] فسادی در زمین - بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هرکس کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است». امنیت جانی همگان تضمین شده و در نتیجه امنیت روانی در این حوزه بر آن جامعه حاکم می‌شود.

قرآن کریم در راستای سالم‌سازی فرد و جامعه، همگان را به «سلم» یا همان تسلیم امر خدا بودن و پرهیز از پیروی گام‌های شیطان، فرامی‌خواند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره/۲۰۸). گفته شده مقصود از «دخول در سلم» داخل شدن در فرمان خدا و اطاعت از امر اوست. «کافه» هم یعنی همگی داخل اسلام، اطاعت و تسلیم شوید (طبرسی، ۱۳۷۲/۲: ۵۳۷). کلمات سلم و اسلام و تسلیم هر سه به یک معنا است و کلمه «کافه» مانند کلمه «جمیعا» تأکید را افاده می‌کند، پس امر متعلق به مجموع و بر تک‌تک افراد جامعه است که در آن اختلاف نکنند و امر را تسلیم خدا و رسول او کنند؛ بنابراین بر مؤمنین واجب است با تسلیم امر به خدا، برای خود صلاح دید و استبداد به رأی قائل نباشند و به غیر آن طریقی که خدا و رسول بیان کرده‌اند طریقی دیگر اتخاذ نمایند که هیچ قومی هلاک نشد مگر به خاطر همین که راه خدا را رها کرده، راه هوای نفس را پیمودند، راهی که هیچ دلیلی از ناحیه خدا بر آن نداشتند و نیز حق حیات و سعادت جدی و حقیقی از هیچ قومی سلب نشد مگر به خاطر اینکه در اثر پیروی هوای نفس ایجاد اختلاف کردند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰۱/۲).

بنابراین زمانی که جامعه مؤمنین به‌طور کلی و همه‌جانبه تسلیم اوامر الهی شوند مسلماً در چنین جامعه‌ای، سلم و سلامتی رفتار و گفتار حاکم شده، چیرگی شهوت قدرت و غضب باعث برهم زدن امنیت جانی نخواهد شد. غریزه افزون‌طلبی جای خود را به تعاون

و همیاری و دستگیری از نیازمندان خواهد داد که افتخار بزرگی برای آحاد جامعه به شمار خواهد آمد و نتیجه قطعی چنین زندگی‌ای به وجود آمدن امنیت روانی برای تک‌تک افراد و کل جامعه است (ر.ک: سید قطب، ۱۴۱۲/۱: ۲۱۱-۲۰۶).

امنیت مالی

امنیت اقتصادی از شرایط اصلی استمرار حیات اجتماعی و از عوامل مهم تأمین امنیت روانی در جامعه است. از آسیب‌های تهدیدکننده آن می‌توان به مواردی از قبیل دزدی، ارتشا، کلاهبرداری و تقلب، رباخواری، پول‌شویی، احتکار، کم‌فروشی و گران‌فروشی اشاره کرد. در واکاوی ریشه‌های اخلاقی این پدیده‌ها به ناهنجاری‌هایی اخلاقی مانند حرص، دنیادوستی، بی‌تقوایی، ضعف توکل، ناشکری، خودخواهی، نبود احساس مسئولیت در برابر دیگران و آرزوهای دور و دراز و... برمی‌خوریم که همگی در عدم تسلیم‌پذیری ریشه دارد. هیچ‌گاه انسان مؤمن و خودساخته اسیر حب مال و پول‌پرستی نمی‌شود. کسانی که ایمان محکمی دارند و از توکلی سترگ برخوردارند، همواره در آرامش خاطرنند و می‌دانند که خدای مهربان نیازهای ایشان را نادیده نمی‌گیرد. اینان با اعتقاد به برکت کسب‌وکار-که عاملی معنوی است- هرگز کم‌فروشی، گران‌فروشی و احتکار نمی‌کنند و از سویی با اعتقاد و تسلیم در برابر معارفی چون چهره باطنی و حقیقت خوردن مال یتیم که چیزی جز خوردن آتش نیست: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا» (نساء/۱۰)؛ رباخواری اعلام جنگ به خدا و رسول است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ* فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (بقره/۲۷۹-۲۷۸)؛ رشوه‌گیرنده و رشوه‌دهنده هر دو ملعون‌اند: «الرَّاشِي وَ الْمُرْتَشِي وَ الْمَآشِي بَيْنَهُمَا مَلْعُونُونَ» (شعیری، بی تا: ۱۵۶) زندگی خود را در راه مال‌اندوزی تباه نمی‌کند. انسان تسلیم در برابر تذکار قرآن که جمع مال به او عمر جاودانه نداده: «وَيَلِّ لِكُلِّ هَمَزَةٍ لُّمَزَةٍ* الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ* يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ» (همزه/۳-۱) و مال و اولاد از وسایل آزمایش‌اند: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (تغابن/۱۵) هرگز با مال‌اندوزی صرفاً به فکر خود نبوده و از دیگران غافل نمی‌شود؛ چراکه در غیر این صورت از مسلمانی و تسلیم جدا شده است. به تعبیر امام صادق (ع): «مَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۴/۲)

از طرف دیگر با تسلیم در برابر کلام پیامبر (ص) که حرمت مال مؤمن را مانند حرمت خون او می‌داند: «... وَ حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۶۰/۲) کوچک‌ترین تعدی را در این زمینه بر نمی‌تابد.

امنیت عرض و آبرو

صیانت از آبروی افراد جامعه نقش به‌سزایی در تأمین امنیت روانی اجتماعی دارد. حفظ عرض و آبرو تا آنجا مهم است که حتی خرج مال برای حفظ آن در لسان حضرت امیر(ع) از افضل کارها شمرده شده: «إِنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ صِيَانَةُ الْعَرَضِ بِالْمَالِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹/۴) از جمله عواملی که بی‌اعتمادی گسترده‌ای در جامعه پدید می‌آورد و آبروی اشخاص، اصناف و قشرهای اجتماع را در معرض تهدید قرار می‌دهد می‌توان: سخن‌چینی، بدگویی، بهتان و افترا، تجسس و هتک حریم خصوصی، افشای سر، بزرگ‌نمایی و غلو، شهادت دروغ، قضاوت بی‌مدرک و شایعه‌پراکنی و... را نام برد که همگی ریشه در امراض روحی و روانی فردی داشته و از بیماری‌های اخلاقی مانند حسادت، کینه‌توزی، خشم و نفرت، جاه‌طلبی، خودخواهی و حرص و پول‌پرستی و... سرچشمه می‌گیرند و مسلماً آنچه این جور بیماری‌ها را درمان و اساساً از بروز آنها پیشگیری می‌نماید داشتن روحیه تسلیم در برابر آیات الهی است. قرآن کریم جهت جلوگیری از تعدی جاهلان و هتک حرمت کسی، به تحقیق و تبیین خبر فاسق دستور می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات/۶) و دستورات اخلاقی منحصر به فرد دیگری در همین سوره از جمله نهی از سخریه، عیب‌جویی، القاب زشت، گمان بد، تجسس، غیبت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بَنَسِ الْأَسْمَاءِ الْقُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَلْيُسَبِّحُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات/۱۲-۱۱) می‌دهد که هرگاه به‌طور کامل در یک جامعه پیاده شود آبرو و حیثیت افراد جامعه را از هر نظر بیمه نموده و به امنیت روانی آن‌ها کمک می‌کند، نه کسی می‌تواند به‌عنوان

خوددبرترینی دیگران را وسیله تفریح و سخریه قرار دهد و نه می‌تواند زبان به عیب‌جویی این و آن بگشاید و نه با القاب زشت حرمت و شخصیت افراد را درهم بشکند. نه حق دارد حتی گمان بد ببرد، نه در زندگی خصوصی افراد به جستجو پردازد و نه عیب پنهانی آن‌ها را برای دیگران فاش کند. به تعبیر دیگر انسان چهار سرمایه دارد که همه آن‌ها باید در دژهای این قانون قرار گیرد و محفوظ باشد: جان و مال و ناموس و آبرو. اسلام می‌خواهد در جامعه اسلامی امنیت کامل حکم‌فرما باشد نه تنها مردم در عمل و با دست به یکدیگر هجوم نکنند، بلکه از نظر زبان مردم و از آن بالاتر از نظر اندیشه و فکر آنان نیز در امان باشند. این امنیتی است در بالاترین سطح که جز در یک جامعه مذهبی و مؤمن که تسلیم اوامر الهی هستند امکان‌پذیر نیست (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/۱۸۶) و در ادامه نیز با تذکر این حقیقت که اختلافات جنسیتی و نژادی مایه برتری کسی بر دیگری نبوده، بلکه آنچه که مایه امتیاز و احترام کسی در نزد خدا است صرفاً تقوای افراد است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳). خط بطلانی بر اسباب برهم‌زننده آرامش روانی همگان کشیده و دریچه نورانی آرام‌بخشی را به روی انسان‌ها می‌گشاید. مسلماً نتیجه تسلیم در مقابل این معارف و حیانی به ایجاد امنیت روانی در یک جامعه کمک شایانی خواهد کرد.

همان‌گونه که خاصیت ایمان به آیات الهی و تسلیم در برابر اوامر و قضا و قدر او، اعطای امنیت روانی به انسان در دنیا است، در آخرت هم خاصیت آن در امان نگه داشتن از عذاب الهی است (نک: فصلت/۴۰؛ نمل/۹۲-۸۹).

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

همان‌گونه که ملاحظه گردید، در نگاه قرآن کریم آثار مهم دنیوی تسلیم (به مفهوم انقیاد محض در پیشگاه الهی و اولیای معصوم او) و ملزومات آن، از جمله ایمان، تقوا، استقامت در راه بندگی، توکل و ذکر خدا؛ دور نگه داشتن از ترس و غم و موجب آرامش است که این امر به‌طور مستقیم، باعث تثبیت و نهادینه‌سازی امنیت روانی در سطح فرد و جامعه می‌شود.

به منظور تأیید روایی و پایایی داده‌ها نتایج حاصله از طریق پرسشنامه‌ی محقق ساخته در قالب ۲۵ گویه به رأی و نظر خبرگان در حوزه‌های دینی و امنیتی رسید که همگی بلااستثنا برداشت‌های محقق از قرآن کریم را در خصوص نقش مهم و قطعی تسلیم در تأمین امنیت روانی فردی و اجتماعی تأیید نمودند.

برای این منظور بیست نفر از خبرگان حوزه دینی و امنیتی با تحصیلات دکترا و کارشناسی ارشد طبق جدول ذیل انتخاب و نتایج پژوهش در قالب بیست و پنج گویه به رأی آنان گذاشته شد:

جدول مربوط به تخصص و تحصیلات پاسخ‌دهندگان

تخصص / فراوانی		متغیر	
خبره امنیتی	خبره دینی		
۲	۳	کارشناسی ارشد	تحصیلات
۸	۷	دکترا	
۲۰		جمع	

سپس جهت تحلیل نتایج پرسشنامه توسط نرم‌افزار Spss، از آزمون میانگین یک جامعه آماری استفاده شد؛ نتیجه آزمون تی، شامل دو خروجی است. خروجی اول شامل آمار توصیفی مربوط به آزمون را ارائه می‌کند و اعداد محاسبه شده به ترتیب شامل تعداد داده، میانگین، انحراف معیار و خطای معیار میانگین است؛ اما خروجی دوم این آزمون شامل آمار استنباطی آزمون است که به ترتیب از سمت چپ شامل شماره گویه در ستون اول، آماره تی در ستون دوم، ستون سوم درجه آزادی برای هر گویه، ستون چهارم معنی‌داری، ستون پنجم اختلاف میانگین هر متغیر با عدد سه و دو ستون آخر نیز حد بالا و پایین را نشان می‌دهد.

در خصوص این خروجی‌ها تذکر دو نکته ضروری است: اول اینکه به کمک آزمون کولموگروف - اسمیرنوف که جهت بررسی توزیع داده‌های یک متغیر کمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، (برای مثال آیا توزیع متغیر مورد بررسی نرمال است؟) نرمال بودن توزیع

داده‌های تحقیق اثبات می‌شود؛ در این تحقیق براساس خروجی نرم‌افزار SPSS و مقدار معنی‌داری که به اختصار با sig نشان داده شده، ادعای نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق اثبات شده است؛ زیرا مقدار sig کمتر از آلفا (سطح خطایی است که محقق در نظر می‌گیرد که معمولاً ۰,۰۵ است) است و بنابراین فرضیه صفر رد می‌شود (اگر مقدار سطح معنی‌داری بزرگ‌تر از مقدار خطا (آلفا) بود فرض صفر نتیجه گرفته می‌شد). با توجه به جدول ذیل، چون مقدار سطح معنی‌داری همه متغیرها کوچک‌تر از مقدار خطا ۰,۰۵ است، بنابراین نتیجه می‌گیریم توزیع آن‌ها نرمال است.

دوم اینکه در بررسی تأثیر تسلیم و لوازم آن بر تأمین امنیت روانی فردی و اجتماعی، تأثیر به وضعیتی گفته می‌شود که در آن میانگین امتیاز متغیر بزرگ‌تر از عدد ۳ باشد (براساس گزینه‌های پرسشنامه و میزان تأثیر: الف- خیلی زیاد: ۵؛ ب- زیاد: ۴؛ ج- متوسط: ۳؛ د- کم: ۲؛ ه- خیلی کم: ۱) و در مقابل عدم تأثیر به وضعیتی گفته می‌شود که در آن میانگین امتیاز متغیر کوچک‌تر از عدد ۳ یا مساوی با آن باشد.

در جدول ذیل چکیده آزمون در قالب شش متغیر مربوط به پرسشنامه نشان داده شده است: شایان ذکر است، متغیر اول در قالب دو گویه؛ متغیر دوم در قالب پنج گویه؛ متغیر سوم در قالب شش گویه؛ متغیر چهارم در قالب یک گویه؛ متغیر پنجم در قالب شش گویه و متغیر ششم در قالب پنج گویه در پرسشنامه مطرح گردیده بود.

جدول مربوط به خروجی آزمون تی

نتیجه	فاصله اطمینان		هر متغیر با عدد ^۳ اختلاف میانگین	سطح معنی داری ^۲	درجه آزادی ^۱	آماره t	انحراف معیار	میانگین	متغیر
	حد بالا	حد پایین							
تأیید	۱,۸۵۴۴۵	۱,۲۹۵۵۵	۱,۴۲۵	۰,۰۰۰	۱۹	۱۱,۸۱۰	۰,۵۹۷۰۶	۴,۵۷۵۰	تسلیم به معنی انقیاد محض در مقابل فرامین مقام عصمت
تأیید	۱,۷۹۳۳۶	۱,۱۶۶۶۴	۱,۴۸۰	۰,۰۰۰	۱۹	۱۰,۲۵۸	۰,۶۶۹۵۴	۴,۴۸۰۰	ارتباط تسلیم با واژه‌های مرتبط
تأیید	۱,۷۸۸۹۵	۱,۲۱۱۰۵	۱,۵۰۰	۰,۰۰۰	۱۹	۱۱,۲۴۹	۰,۶۱۷۳۹	۴,۵۰۰۰	نقش تسلیم و لوازم آن در تأمین امنیت روانی
تأیید	۱,۰۶۵۵۰	۰,۱۳۴۵۰	۰,۶۰۰۰	۰,۰۱۴	۱۹	۲,۶۹۸	۰,۹۹۴۷۲	۳,۶۰۰۰	نقش تسلیم ظاهری در تأمین امنیت روانی فردی و اجتماعی
تأیید	۱,۶۹۳۷۸	۰,۸۸۹۶	۱,۲۹۱۶	۰,۰۰۰	۱۹	۷,۱۵۳۶	۰,۸۵۹۱۴	۴,۲۹۱۶	نقش تسلیم ایمانی و یقینی در تأمین امنیت روانی
تأیید	۱,۴۷۷۱	۰,۷۰۲۹	۱,۰۹۰۰	۰,۰۰۰	۱۹	۶,۰۸۶۸	۰,۸۲۷۰۷	۴,۰۹۰۰	نقش تسلیم در کاهش عوامل برهم زننده امنیت روانی

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، با توجه به خروجی آزمون، میانگین میزان تأثیر در مورد همه متغیرها، بالای عدد سه را نشان می‌دهد، سطح معنی داری کوچک‌تر از ۰,۰۵ و علامت حد بالا و پایین فاصله اطمینان به دست آمده هر دو مثبت است که نشان می‌دهد از نظر خبرگان، برداشت‌های محقق از قرآن کریم در خصوص نقش قطعی تسلیم در مقابل فرامین مقام عصمت و همین‌طور ملزومات آن بر تأمین امنیت روانی فردی و اجتماعی مورد تأیید خبرگان هر دو حوزه دینی و امنیتی است.

۱) Df.
۲) Sig.
۳) Sig.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

۱. نظریه تسلیم به معنای انقیاد محض در برابر فرامین و قضا و قدر الهی و تبعیت از فرامین اولیای معصوم او از مسلمات قرآن کریم است. همین‌طور امنیت به‌طور عام و امنیت روانی به‌طور خاص اهمیت فراوانی در قرآن کریم دارند.

۲. تسلیم با واژه‌هایی مانند ایمان، استقامت در راه بندگی، توکل، تقوا و ذکر خدا ارتباط معنایی عمیقی داشته و تمام این‌ها که در قرآن کریم به‌عنوان نگه‌دارنده از ترس و غم - که در نقطه مقابل امنیت روانی‌اند- و دلیل آرامش قلوب نام برده شده‌اند، از لوازم تسلیم‌اند.

۳. داشتن حالت تسلیم آثار مهمی دارد که از جمله اثر مهم دنیوی آن تأمین امنیت روانی فردی و اجتماعی است.

۴. با توجه به مراتب الزامات دینی شامل اسلام، ایمان و یقین؛ تسلیم تأمین‌کننده امنیت روانی از مرتبه دوم به بالا بوده و اهل یقین نه تنها امنیت روانی خاصی داشته، بلکه خود منبع امنیت روانی آحاد جامعه خواهند بود و تسلیم در حد مرتبه اول تأثیر کمی در تأمین امنیت روانی دارد.

۵. تمام عوامل نگرانی و ترس در برابر انسان مؤمن تسلیم در برابر آیات الهی رنگ باخته و جای خود را به آرامش فکری خواهد داد.

۶. عوامل برهم‌زننده امنیت فرد و اجتماع مانند ترس و اضطراب در حوزه فردی و هواهای نفسانی و افزون‌طلبی برخی در حوزه اجتماعی، در صورت تسلیم بودن آحاد جامعه اصلاً مجال ظهور و بروز نمی‌یابد.

۷. داشتن روحیه تسلیم در برابر فرامین الهی باعث می‌شود که در سطح جامعه امنیت جانی، مالی و آبرویی حاکم شود که به‌نوبه خود از عوامل اصلی تأمین امنیت روانی اجتماعی هستند.

۸. در جامعه تسلیم، خودخواهی‌ها جای خود را به همکاری و تعاون، هواهای نفسانی و زیاده‌خواهی جای خود را به عقلانیت و همیاری، شهوت و غضب جای خود را به سلم و سلامتی، اختلاف و تضاد طبقاتی جای خود را به اتحاد و عدالت خواهد داد که نتیجه آن تأمین امنیت روانی در سطح فرد و جامعه است.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- قرآن کریم (۱۳۸۶ ش)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم، ولیعصر-عترت، چاپ اول.
- نهج البلاغه (۱۳۸۰ ش)، ترجمه محمد دشتی، چاپ ششم، قم، مشهور.
- عزیزاده، مهدی (۱۳۸۹ ش)، اخلاق اسلامی مبانی و مفاهیم، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول.
- ابن اثیر جزری، مبارک (۱۳۶۷ ش)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ ق)، معانی الاخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول، تحقیق: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- ابن قیم الجوزیه، محمد (۱۴۱۶ ق)، مدارج السالکین، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم.
- انصاری، عبدالله (۱۴۱۷)، منازل السائرین، تحقیق: علی الشیروانی، قم، دارالعلم، چاپ اول.
- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (۱۳۸۹)، دائرةالمعارف قرآن کریم، جلد هشتم، قم، بوستان کتاب، چاپ اول.
- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (۱۳۸۸)، دائرةالمعارف قرآن کریم، جلد هفتم، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ ق)، غررالحکم و دررالكلم، قم، دارالکتب الإسلامی، چاپ دوم.
- جرجانی، علی (۱۴۰۵ ق)، التعریفات، بیروت، دارالکتب العربی.
- جندی، انور (۱۹۷۷)، مفاهیم العلوم الاجتماعیة و النفس و الاخلاق فی ضوء الاسلام، قاهره: دارالاعتصام.
- جیمز، ویلیام (۱۳۵۶ ش)، دین و روان، ترجمه مهدی قائنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- حسینی همدانی، محمدحسین (۱۴۰۴ ق)، انوار درخشان، تحقیق: محمدباقر بهبودی، تهران، لطفی، چاپ اول.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)، تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت - دمشق، دارالقلم - الدار الشامیة، چاپ اول.

- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، بیروت، دار الكتاب العربی، چاپ سوم.
- شاذلی، سید بن قطب (۱۴۱۲ ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت- قاهره، دارالشروق، چاپ هفدهم.
- شعیری، محمد (بی تا)، *جامع الأخبار*، نجف اشرف، مطبعة حیدریه، چاپ اول.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۳ ش)، *اخلاق ناصری*، تهران، خوارزمی.
- فخر رازی، محمد (۱۴۲۰ ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ ق)، *العین*، قم، نشر هجرت، چاپ دوم.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ ق)، *الصافی*، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم.
- فیومی، أحمد (۱۴۱۴ ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم، مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ ش)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، انتشارات ناصرخسرو، چاپ اول.
- کارنگی، دیل (۱۹۵۶ م)، *دع القلق و ابدأ الحیاء*، ترجمه عبدالمنعم الزیادی، قاهره، کتابخانه «خانجی» چاپ پنجم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، *بحار الانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- محلی، جلال‌الدین / سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۱۶ ق)، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، چاپ اول.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نجاتی، محمد (۱۳۸۱ ش)، *قرآن و روان‌شناسی*، ترجمه: عباس عرب، مشهد، آستان قدس، چاپ پنجم.

- هاشمیان فرد، زاهد (۱۳۹۰ ش)، *امنیت در اسلام*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ اول.
- وحید خراسانی، حسین (۱۳۸۶ ش)، *آشنایی با اصول دین*، قم، باقرالعلوم (ع)، چاپ پنجم.
- مقالات:
- زارعی توپخانه، محمد (۱۳۹۲)، *نقش ولایت پذیری اهل بیت (علیهم‌السلام) در امنیت فردی و تحلیل روان‌شناختی آن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۹۱، صص ۲۷-۴۴.
- سلیمان‌پور مقدم، حسین (۱۳۷۶)، *روان‌درمانی در قلمرو دین*، مجله: تربیت، شماره ۱۱۸، صص ۳۱-۲۸.
- صادقیان، احمد (۱۳۸۷)، *قرآن و بهداشت روان*، قم، جامعه المصطفی العالمیه، مجله قرآن و علم، شماره ۲، صص ۶۹-۹۰.
- نقی‌پورفر، ولی‌الله (۱۳۹۴)، *مراتب الزامات دینی و تکالیف متناظر زنان مؤمن از دیدگاه قرآن کریم*، مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ش ۳، صص ۴۹-۷۰.